

تأثیر قدرت نرم لابی اسرائیل بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران (مطالعه مقایسه‌ای دوره ریاست جمهوری اوباما و ترامپ)

اشکان گل افشان^۱، سیروس فیضی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۶

چکیده:

در شکل‌گیری و استمرار تقابلات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران علاوه بر منافع و هویت سیاسی ناهمگون طرفین، نقش لابی‌های اسرائیل در ساختار تصمیم‌سازی ایالات متحده بسیار تعیین‌کننده بوده است. لابی‌گران اسرائیلی در آمریکا غالباً به دنبال تشدید مواضع سخت‌گیرانه دولت آمریکا در قبال ایران هستند. با وجود این قاعده کلی، بعضاً شاهد عدم هماهنگی در روابط طرفین هستیم. در این مقاله براساس روش توصیفی-تحلیلی تلاش می‌شود ضمن بررسی اقدامات لابی‌های اسرائیلی، میزان اثرگذاری لابی مذکور بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران در دوره اوباما و ترامپ بررسی شود. نتایج بررسی‌های صورت گرفته با استفاده از نظریه «امنیتی کردن» نشان می‌دهد در دوره اوباما اقدامات لابی‌های اسرائیلی نتوانسته بصورت مطلوب مانع پیشبرد سیاست‌های دولت در رابطه با ایران شود، درحالی‌که در دوره ترامپ نقش لابی مذکور در اعمال فشار برای اجرای سیاست‌هایی از جمله لغو اجرای برجام، اعمال سیاست فشار حداکثری و... محسوس‌تر می‌باشد.

واژگان اصلی: قدرت نرم، لابی اسرائیل، سیاست خارجی ایالات متحده، ایران، دونالد ترامپ، باراک اوباما.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مطالعات منطقه‌ای)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
golafshan13744@gmail.com

۲. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اتخاذ رویکرد تجدیدنظرطلبانه، سیاست خارجی ایالات متحده در تضاد همه‌جانبه با کشور ایران قرار گرفت و هر کدام از روسای جمهور این کشور در قالب یک استراتژی کلی (انزوا و براندازی نظام) با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون علیه جمهوری اسلامی اقدام نموده‌اند.

سیاست خارجی ایالات متحده به دلیل ساختار پلورالیستی این کشور در سطوح اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همواره تحت تاثیر عوامل مختلفی مثل درخواست‌ها و منافع احزاب، افراد، گروه‌ها، لابی‌ها و... قرار داشته است. لابی‌های مختلف اسرائیلی در ایالات متحده (متشکل از افراد، گروه‌های مسیحی، یهودی‌تباران و...) از جمله بانفوذترین عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی این کشور می‌باشند که بصورت نانوشته در سیاست خارجی ایالات متحده مورد پذیرش همه دولت‌ها قرار گرفته‌اند.

باراک اوباما و دونالد ترامپ به عنوان دو رئیس جمهور مهم ایالات متحده در قرن حاضر از دو حزب مختلف راهبردهای متفاوتی نسبت به جمهوری اسلامی درپیش گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که تغییر و تحول در راهبردهای سیاست خارجی ایالات متحده در ادوار مذکور نسبت به سایر روسای جمهور ایالات متحده محسوس تر می‌باشد. اوباما با شعار «تغییر» و اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی به توافقی مهم با ایران دست پیدا کرد درحالی که ترامپ با اتخاذ سیاست حداکثری و خروج از برجام و اعمال تحریم‌های یکجانبه رویکرد متفاوت‌تری در قبال مسائل ایران اتخاذ کرد.

بطور مشخص پژوهشگر در این تحقیق بصورت مطالعه مقایسه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که میزان تاثیرگذاری لابی اسرائیل بر سیاست خارجی ایالات متحده در دوره اوباما و ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این مسئله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه سیاست خارجی ایالات متحده در دوره اوباما و ترامپ این فرضیه مطرح می‌شود که میزان تاثیرگذاری لابی‌های اسرائیل در جهت‌دهی به سیاست خارجی ایالات متحده در دولت اوباما بسیار کم‌رنگ‌تر از دولت ترامپ بوده است.

۱- پیشینه پژوهش

عمده آثار منتشر شده در حوزه روابط میان لابی‌های اسرائیلی و سیاست خارجی ایالات متحده به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول آثار به نفوذ سیستمی لابی‌های اسرائیل در ساختار تصمیم‌سازی ایالات متحده تاکید دارند. صاحب‌نظران این رویکرد معتقدند نفوذ لابی‌های اسرائیل بر نهادهای تصمیم‌ساز در سیاست خارجی آمریکا به حدی است که اگر قانونی برخلاف منافع ملی آمریکا اما مورد حمایت این لابی‌ها باشد، امکان تصویب آن وجود دارد. برای نمونه آهووی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجه ایالات متحده؛ از اسطوره تا واقعیت» ضمن تاکید بر استحکام روابط بین آمریکا و اسرائیل، به این نتیجه می‌رسد که لابی اسرائیل از راه‌های گوناگون در پی هدایت افکار عمومی و نیز دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا به سمت حمایت از اسرائیل است. عراقچی (۱۳۹۷) نیز در مقاله «نقش لابی اسرائیل در سیاست-خارجی آمریکا با تمرکز بر مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱» کیفیت تاثیرگذاری لابی اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا نسبت به مساله هسته‌ای ایران را بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که لابی اسرائیل با نفوذ بر کنگره آمریکا تاثیرات زیادی بر مذاکرات هسته‌ای داشته است. عبداللهی (۲۰۱۶) نیز در مقاله «تاثیر لابی صهیونیستی بر سیاست خارجی آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران» بر این مسئله تاکید دارد که عنصر تأثیرگذار در نظام تصمیم‌گیری ایالات متحده آمریکا درقبال جمهوری اسلامی ایران گروه‌های ذینفع با محوریت لابی صهیونیستی می‌باشد و حمایت بی‌دریغ آمریکا از این لابی غیرقابل انکار است. پژوهشگران دیگری نیز مثل تبارسوتنه و مهرورز (۱۳۹۹)، زادگان (۱۳۹۵)، عباسی و شهبازی (۱۳۹۲)، فاطمی‌نیا (۱۳۹۴)، مهمان‌نواز (۱۳۹۱)، موسوی‌فر (۱۳۸۸)، سیمبر و نظری (۱۳۹۲)، شیری (۱۳۹۳)، مست (۲۰۱۴) براساس این رویکرد به بررسی موضوع پرداخته‌اند.

دسته دوم آثار به نفوذ شخصیتی و گروهی لابی‌های صهیونیستی بر سیاست خارجی ایالات متحده تاکید دارند و با ذکر سیاست‌های دولت اوباما و ترامپ در قبال ایران، میزان نفوذ و لابی اسرائیل در نظام سیاسی آمریکا را به سطح افراد و شخصیت‌های تصمیم‌ساز تقلیل می‌دهند و به متغیر شخصیت‌روسی جمهوری آمریکا و سیاست‌های آنها نسبت به رژیم اسرائیل تاکید می‌شود. برای نمونه جوانشیری و بصیری (۱۳۹۸) در مقاله «مقایسه نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجه ایالات متحده در دوره اوباما و ترامپ با تاکید بر توافق هسته‌ای با ج.ا.ا» ضمن بررسی تفاوت

اثرگذاری لابی‌های اسرائیلی در دوره اوباما و ترامپ در تاثیرگذاری بر توافق هسته‌ای با ج.ا.ا، نتیجه می‌گیرند که در دولت اوباما لابی‌های مذکور از نفوذ کمتری برای تاثیرگذاری بر توافق هسته‌ای با ایران نسبت به دولت ترامپ برخوردار بوده‌اند. از جمله نقاط افتراق مقاله مذکور با اثر ذیل در حدود و ثغور این مقاله (صرفاً در زمینه برنامه هسته‌ای) می‌باشد. واکسمن (۲۰۱۰) نیز در مقاله «لابی‌های اسرائیل: نظرسنجی از جامعه طرفدار اسرائیل در ایالات متحده» ضمن تقسیم لابی طرفدار اسرائیل در ایالات متحده به سه قسمت چپگرا، میانه و راست‌گرا به تفاوت اندیشه‌ها و خطوط فکری این سه جریان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد لابی طرفدار اسرائیل در ایالات متحده به هیچ وجه یک بازیگر سیاسی منسجم نیست و بنابراین در فرایند لابی‌کردن به ندرت با یک صدای واحد عمل می‌کنند. انصاری رامندی (۱۳۹۵)، کوهکن (۱۳۹۷)، اونگر (۲۰۱۶)، کاتر (۲۰۱۹)، بهناسی (۲۰۱۶) از دیگر نویسندگانی هستند که از این زاویه به مسئله پرداخته‌اند.

در تحقیقاتی که ذکر مختصری از آنها رفت مسائل مختلفی از سیاست خارجی آمریکا و ارتباط لابی‌های طرفدار اسرائیل بررسی شد که مطالب و نکات مهمی در هر کدام از آنها قابل مشاهده است؛ لیکن تحقیق پیش‌رو از نظراتی دارای جنبه‌هایی از نوآوری است که می‌توان آنها را اینگونه برشمرد، پرهیز از جنبه‌های تاریخی روابط طرفین در ادوار روسای جمهور سابق آمریکا، بررسی چگونگی و میزان نفوذ لابی‌های طرفدار رژیم اسرائیل بر سیاست خارجی آمریکا در مورد مسائل ایران با رویکردی تطبیقی صرفاً در دوره ریاست جمهوری اوباما و ترامپ و ذکر مصادیق این تاثیرگذاری در زمینه‌های مختلف (هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای) که در سایر متون مدنظر قرار نگرفته است.

۲- مبانی نظری

بر اساس مطالب ذکر شده می‌توان مکتب کپنهاگ (نظریه امنیتی سازی) را برای تحلیل عملکرد لابی‌های اسرائیل علیه ایران چارچوب نظری مناسبی دانست. مطابق نظریات این مکتب، دو مشخصه لازم برای شناسایی مسائل به صورت امنیتی، عبارت‌انداز؛ نخست، موضوع مورد نظر خطری برای حیات جمعی شهروندان باشد و دوم اینکه از مسیرهای قانونی قابل کنترل و هدایت نباشد. علاوه بر این مطابق مفروضه‌های مکتب کپنهاگ امنیت مفهومی برساخته است. (Buzan, 1999, 15-16) در واقع وقتی از آن سخن می‌گوییم از یک فهم سخن می‌گوییم، بنابراین می‌توان آنرا مورد جرح و تعدیل قرارداد.

در فرایند امنیتی کردن، یک مسئله به این دلیل که در دستورکار امنیتی از اهمیت بیشتری برخوردار است به عنوان موضوع امنیتی تعیین و القاء می‌گردد. بنابراین امنیتی ساختن نمونه شدیدتر سیاسی کردن می‌باشد و فرایندی ادامه‌دار و باز است و از مجموعه‌ای از عوامل تاثیر می‌پذیرد. از لحاظ نظری هر مسئله عمومی را می‌توان روی طیفی جا داد که از امور غیرسیاسی تا سیاسی را شامل می‌شود، جایگاه هر مسئله روی این طیف ثابت نمی‌باشد و وابسته به شرایط می‌تواند تغییر یابد. در چارچوب امنیتی‌سازی دو شرط برای مسائل امنیتی وجود دارد که شامل گفتمان‌های امنیتی ساز(شکستن رویه‌های موجود) و بازیگران امنیتی ساز می‌باشد. فرایند امنیتی - سازی یک رویداد بدین شکل صورت می‌گیرد که در ابتدا بازیگر امنیتی ساز با استفاده از مفاهیم، پدیده مدنظر خود را به عنوان تهدید معرفی می‌کنند و در صورتی که این بازیگر از اقتدار برخوردار باشد آن مسئله با پذیرش جامعه هدف مواجه می‌شود. در این میان بازیگرانی نیز وجود دارند که در تایید بر تهدید قلمداد کردن پدیده مذکور اقداماتی انجام می‌دهند و باعث هموار - ساختن فرایند امنیتی سازی می‌شوند یا در نتایج حاصل از امنیتی سازی به سبب قابلیت‌هایی که دارند در دستیابی به اهداف به بازیگران امنیتی‌ساز کمک می‌کنند(دهقانی فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۴).



براساس مفروضه‌های مکتب کپنهاگ، رژیم اسرائیل با بهره‌گیری از قدرت نرم و در جهت منافع ملی خود سعی دارد مسائل مرتبط با جمهوری اسلامی (برنامه هسته‌ای، موشکی و تحرکات منطقه‌ای) را به عنوان یک تهدید جلوه دهد. به عبارت دیگر، حفظ منافع حیاتی رژیم اسرائیل مستلزم آن است که این کشور هر لحظه آماده انجام اقدامات جدیدی از جمله امنیتی‌سازی تهدیدات علیه خود و گسترش آن در سطح نظام بین‌الملل باشد تا بواسطه آن ضریب حفاظتی خود را افزایش دهد. به این ترتیب مشخص می‌شود ایران هراسی یک پروژه در سیاست‌گذاری رژیم اسرائیل است تا بدینوسیله ایران را در قالب یک چالش امنیتی برای موجودیت خود و نظام بین‌الملل القاء کرده تا از این طریق امنیت و منافع ملی خود را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تضمین نموده و با کسب مشروعیت، محدودیت‌هایی بر سیاست‌ها و منافع ملی ایران وضع نموده

و نفوذ ایران را در منطقه تقلیل دهد. بنابراین بررسی امنیتی سازی مسائل مرتبط با ایران می تواند به تحلیل و پیش بینی سیاست های رژیم صهیونیستی کمک کند.

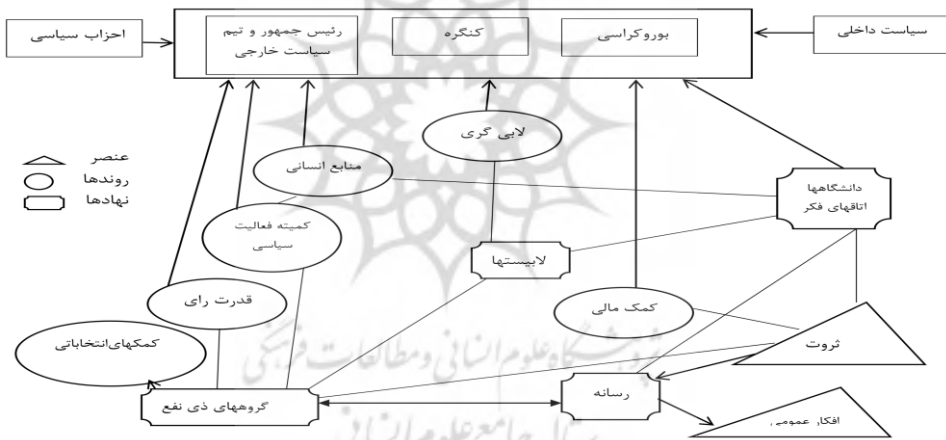
۳ - مبادی و مراجع تاثیرگذاری قدرت نرم لابی های رژیم صهیونیستی بر سیاست خارجی

ایالات متحده

قدرت نرم دارای دو مفهوم محدود و گسترده است. در مفهوم گسترده، قدرت نرم مترادف با قدرت غیرنظامی است و شامل هر دو قدرت فرهنگی و اقتصادی می شود و تنها در مفهوم محدود، قدرت نرم شامل قدرت فرهنگی است. اما گروهی از محققان قدرت اقتصادی را یکی از مهمترین ابزارها در جعبه ابزار سیاست های قدرت نرم می دانند و به اعمال تحریم های به عنوان یکی از ابزارهای اعمال قدرت نرم اشاره می کنند. از سوی دیگر، سیاست تحریم های یکجانبه آن گاه که در پوشش تحریم های جامع اعمال شود و جلوه هایی از تحریم های بسیار سخت پدیدار می شود، به عنوان یکی از مصادیق اعمال قدرت سخت مورد توجه قرار می گیرد. بنابراین به نظر می رسد که تحریم های یکجانبه، یکی از ابزارهای قدرت دولت ها در میانه قدرت نرم و سخت می باشد. (حسینی محجوب، ۱۴۰۰، ۴۶) قدرت نرم به چند دلیل در روابط بین الملل از اهمیت بالایی برخوردار است؛ نفوذ و جذب، همکاری، دیپلماسی و مذاکره، تصویرسازی و دیپلماسی عمومی، تبادل و تفاهم فرهنگی، موازنه نرم، جذب سرمایه و گردشگری، و رسیدگی به چالش های جهانی. به طور کلی، قدرت نرم جزء لاینفک دولت و دیپلماسی مدرن در دنیایی است که به طور فزاینده ای به هم پیوسته و وابسته می باشد. در این راستا درک پویایی نفوذ بازیگران غیردولتی در صحنه جهانی برای محققان، سیاست گذاران و شهروندان از اهمیت بالایی برخوردار است. (میرکوشش، ۱۴۰۲، ۱۲۸) ساختار سیاست گذاری در ایالات متحده براساس رویکردی کثرت گرایانه پایه گذاری شده است که از ایجاد تمرکز قدرت در ساختار سیاسی این کشور جلوگیری می کند. بر این اساس لابی ها می کوشند با نهادهای تصمیم ساز به تعامل پرداخته و به هر شیوه ممکن بر تصمیمات آنها تاثیر بگذارند. الکسی دو توکویل در کتاب دموکراسی در آمریکا بیان می کند از دهه ۱۸۳۰ مردم آمریکا به شدت در پی ایجاد و سازماندهی گروه های لابی بوده اند و تاریخ مذکور را شروع فرایند لابی گری در ایالات متحده عنوان می کند. (سیمبر و نظری، ۱۳۹۴: ۴). ساموئل هانتینگتون نیز معتقد است با پایان جنگ سرد ایالات متحده با نوعی سردرگمی

نسبت به منافع ملی خود رو به رو شد که یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در ایجاد این سردرگمی ظهور «چندفرهنگ‌گرایی هویت آمریکایی» بوده و عدم وجود هویت ملی واحد باعث شده دولت آمریکا ارزیابی درستی از منافع خود نداشته باشد و در نتیجه حاکمیت در این کشور در برابر گروه‌های لابی مقاومت کمتری از خود نشان دهد. (Huntington, 1997: 28) بنابراین در رویه‌های سیاست‌گذاری آمریکا لابی مفهوم مذمومی ندارد و از فعالیت‌های غیرقانونی به حساب نمی‌آید و این مسئله باعث شده است جریانات پرنفوذ بتوانند در روند تصمیم‌گیری در ایالات متحده تاثیرگذار باشند.

علاوه بر تمایل ذاتی گروه‌ها برای نزدیکی به مراکز قدرت، ساختار نظام سیاسی ایالات متحده به گونه‌ای است که تا زمانی که شخصیت‌ها و احزاب سیاسی در بین اقلیت ثروتمند آمریکایی برای خود حامیان قدرتمندی پیدا نکنند و رسانه‌های بانفوذ را با خود همراه نسازند نمی‌توانند در نهادهای تصمیم‌ساز این کشور وارد یا اعمال نفوذ کنند.



نمودار شماره (۱) مدل روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایالات متحده (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲)

۳-۱- اقتدار گفتمانی و قدرت نرم لابی‌های طرفدار رژیم صهیونیستی

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با اهمیت یافتن مقوله تروریسم در محیط بین‌الملل، فرصت مناسبی برای اسرائیل به وجود آمد تا پشت سر آمریکا و تحت لوای مبارزه با تروریسم به اهداف دیرینه اش در مقابله با دشمنان خود دست یابد. روند سیاست‌های اسرائیل نشان می‌دهد که سیاست‌های این رژیم در این دوران، کاملاً افراطی و تجاوزطلبانه بوده است. و نه تنها تمایلی به

صلح پایدار در منطقه ندارد، بلکه از هیچ تلاشی برای ناکام گذاشتن فرآیند صلح فروگذار نمی‌کند. (صفی‌پور، ۱۴۰۰، ۱۷۴)

همواره تعداد زیادی از سازمان‌های یهودی-آمریکایی طرفدار رژیم صهیونیستی وجود داشته‌اند که با یکدیگر همکاری و رقابت کرده‌اند. با توجه به این تکتک گروهی- نهادی و در شرایط عدم وجود اقتدار اجباری، جامعه سازمان یافته یهودیان آمریکا به طور سنتی توسط یک هنجار مشترک «همبستگی توافقی» در کنار هم نگه داشته می‌شدند؛ مهم‌ترین و نهادمندترین سازمان‌های یهودی-آمریکایی طرفدار رژیم صهیونیستی، مانند آپیک، کنفرانس روسای سازمان‌های بزرگ یهودی، کمیته یهودیان آمریکا و لیگ ضدافترا عموماً به این هنجار پایبند هستند. با این وجود، از اواخر دهه ۱۹۸۰ همبستگی این گروه‌ها به طور فزاینده‌ای به دلیل یک سری بحران در دهه ۱۹۸۰ (ناهماهنگی در یهودیان آمریکا بین حمایت آنها از رژیم صهیونیستی، ارزش‌های لیبرال و هویت آمریکایی، رسوایی جاسوسی پولارد در ۱۹۸۵، قیام فلسطینیان در سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۹۱ (انتفاضه)، و ماجرای «چه کسی یهودی است در ۱۹۸۸») به چالش کشیده شد. (Waxman, 2016: 156)

بر اساس این افتراق، سازمان‌هایی مانند صلح برای آمریکا و جی‌استریت در سمت چپ و سازمان صهیونیستی آمریکا، آپیک و سازمان آمریکایی‌ها برای اسرائیل امن در جناح راست قرار گرفتند و بر اثر همین مسئله انشقاق اصلی میان لابی‌های یهودی ایجاد شد. سازمان صهیونیستی اسرائیل را نمی‌توان به طور معتبر و قابل اعتمادی به عنوان «طرفدار اسرائیل» معرفی کرد. با این حال، حمایت این سازمان از مواضع حزب کارگر (مخالف لیکود) را می‌توان به طور قابل توجهی طرفداری از رژیم صهیونیستی قلمداد کرد (Rynhold, 2021, 8). لابی‌های مذکور در طول سه دهه اخیر در شمار مراکز مهم تحقیقاتی آمریکا مثل مؤسسه امریکن اینترپرایز، مؤسسه بروکینگز، مرکز سیاست - امنیتی، مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی، بنیاد هریتیج، مؤسسه هادسن و... حضور موثری داشته‌اند. (Mearsheimer & Walt, 2007, 155)

۴ - تاثیر قدرت نرم لابی‌های اسرائیلی بر سیاست خارجی دولت اوباما و ترامپ در قبال

جمهوری اسلامی ایران

ترامپ کنترل کاخ سفید را در حالی بر عهده گرفت که روابط واشنگتن-تل‌آویو در دوره اوباما در ضعیف‌ترین حالت خود قرار داشت. اوباما در آغاز دوره ریاست جمهوری خود در سال

۲۰۰۸ به تدریج حمایت خود از رژیم صهیونیستی را از متن به حاشیه برد و به گونه‌ای عمل کرد که موقعیت رژیم صهیونیستی را از یک متحد استراتژیک به یک شریک درجه دو در پایان دولت خود تقلیل داد. در سال ۲۰۱۶، زمانی که قطعنامه شورای امنیت با رای قاطع ۱۴ عضو و رای ممتنع دولت اواما برای توقف شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی صادر شد، ترامپ اعلام کرد: «ما باید منتظر ۲۰ ژوئن باشیم تا دولت او به قدرت برسد و شاهد تغییر وضعیت اسرائیل باشیم». این اولین چراغ سبزی بود که ترامپ به رژیم صهیونیستی نشان داد. ترامپ در کمپین‌های انتخاباتی خود نیز به صراحت از عملکرد دولت اواما در کاهش حمایت از رژیم صهیونیستی انتقاد کرد و در بدو ورود به کاخ سفید در سخنرانی خود اعلام کرد: «من اسرائیل را دوست دارم و سعی می‌کنم پیوند ناگسستنی واشنگتن-تل‌آویو را تقویت کنم.» (ازغندی و جهانگیری، ۱۳۹۶: ۱۷)

۱-۴- تاثیر قدرت نرم لابی‌های اسرائیلی بر سیاست خارجی دولت اواما در قبال

جمهوری اسلامی ایران

جهت مواجهه با چالش‌های سیاست خارجی، دولت اواما به طور فعال سعی در انتقال هزینه‌ها و مسئولیت‌ها به مجموعه‌ای از شرکای بزرگ با منافع مشابه داشت، با این اعتقاد که مدیریت نظم بین‌المللی نیازی ندارد تا ایالات متحده همه کارها را انجام دهد تا نتایج به طور ماهوی با منافع بلند مدت ایالات متحده همسو شوند، اواما به جای عقب نشینی صرف به دنبال واگذاری دارایی‌های هژمونیک به دولت‌های منطقه‌ای با هدف حفظ ثبات از طریق متنوع نمودن تعهدات و سرمایه‌گذاری در حفظ نظم بین‌المللی به جای اقدام مستقیم است. (وکیلی، ۱۴۰۰، ۱۵) بنابراین سیاست اواما بر حل دیپلماتیک مسائل مرتبط با ایران در واقع حرکتی تاکتیکی و جابجایی مسائل ایران از حیطه امنیتی به غیرامنیتی می‌باشد، بدین معنا مسئله هسته‌ای ایران که تا قبل از آن به عنوان یک موضوع حاد امنیتی شده تلقی می‌شد بوسیله گسترش یک گفتمان امنیتی‌زدا از طریق اجماع سازی برای حل پرونده هسته‌ای ایران از جنبه امنیتی آن کاسته و جنبه سیاسی مسئله جایگزین آن شد. بر این اساس برخلاف مواضع نخست وزیر و لابی‌های اسرائیلی که توقف برنامه هسته‌ای ایران از طریق حمله نظامی را تنها راه حل مسئله هسته‌ای ایران می‌دانستند در دوره اواما شاهد غیرامنیتی شدن مسئله مذکور هستیم که در هر دو دوره ریاست جمهوری او با فراز و نشیب پیگیری شد. (جوانشیری و بصیری، ۲۰۱۸: ۴۷-۴۶).

۱-۱-۴- لابی‌های اسرائیلی مخالف سیاست‌های اوپاما

آیپک (AIPAC)، کمیته یهودیان آمریکا (AJC) و سازمان صهیونیستی آمریکا (ZOA) از جمله اثرگذارترین لابی‌های اسرائیلی مخالف تصمیمات دولت اوپاما در قبال ایران می‌باشند. آیپک^۱ مهمترین لابی اسرائیلی در آمریکاست که با جریان راست‌گرای اسرائیل و جمهوری ایالات متحده روابط نزدیکی دارد و درباره توافق هسته‌ای ایران تاکید می‌کند: «توافق با ایران نمی‌تواند مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود، و به جای ایجاد بازدارندگی باعث دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای و تقویت نفوذ و جایگاه این کشور در منطقه می‌شود... بنابراین کارشناسان ما در طول انجام مذاکرات پیشنهادات مهمی در حوزه‌های بازرسی از ابعاد نظامی، بازگشت تحریم‌ها و... را به عنوان خطوط قرمز خود ارائه داده‌اند و در حالی که کنگره نیز بر آنها تاکید داشته در توافق صورت گرفته رعایت نشده‌اند.» (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۱).

علاوه بر این آیپک پس از امضای توافق هسته‌ای برنامه «رد توافق هسته‌ای با ایران» را به کنگره ارائه داد در این راستا آیپک در صفحه اصلی سایت خود مجموعه‌ای حاوی ۳۳ فایل را بارگذاری کرد که بوسیله آن ناقص بودن توافق هسته‌ای را القاء می‌کرد که کنگره می‌بایست اقدام به رد آن نموده آیپک به همین منظور بیانیه‌ای را منتشر نمود که در آن ۵ دلیل بابت ادعای ناقص بودن توافق مذکور ذکر می‌کند و معتقد است توافقی کامل است که:

۱. در آن مفهوم بازرسی «در هر زمان و در هر کجا» استمرار یابد.
۲. اسناد مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای گذشته ایران فاش شود.
۳. تحریم‌ها به جای یکجا لغو شدن به تدریج برداشته شود.
۴. محدودیت‌های ایران به جای ۸ و ۱۰ سال برای ده‌ها سال پا برجا بماند.
۵. تمامی سانتریفیوژها و زیرساخت‌های هسته‌ای نه بصورت موقت که به صورت کامل برچیده شود.

علاوه بر این آیپک یک انجمن غیر انتفاعی تحت عنوان «شهروندان حامی ایران غیرهسته‌ای» را با هدف مقابله با توافق هسته‌ای شکل داد. انجمن مذکور از نیمه ژوئیه تا نیمه سپتامبر ۲۰۱۵ (همزمان با دوره مهم اعلام برجرام در وین تا رد لایحه مخالفت با توافق ایران در سنای آمریکا) رقمی بالغ بر ۴ میلیون دلار برای تبلیغات بوسیله شبکه‌های مختلف تلویزیونی (مانند ای بی سی، ان-

بی‌سی، فاکس نیوز و سی‌بی‌اس) هزینه کرد. (شیرازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۱)

در مقابل این اقدام آپیک جهت اثرگذاری بر کنگره، اوپاما نیز در ۵ اگوست ۲۰۱۵ خطاب به کنگره هشدار داده و تأکید می‌کند: «آنها که می‌گویند باید به جای توافق با تشدید تحریم‌ها اقدام کرد، یا جامعه ایرانی را نمی‌شناسند یا با مردم امریکا صادق نیستند... تحریم به‌تنهایی نمی‌تواند ایران را مجبور کند که بقایای زیرساخت‌های هسته‌ای خود را به‌طور کامل برچیند... به‌علاوه متحدان ما در اروپا یا در آسیا و چین و روسیه مخالف تشدید تحریم و ادامه آن برای پنج، ده یا پانزده سال دیگر هستند... قطع به یقین رد توافق در کنگره منجر می‌شود که تحریم‌های چندجانبه از هم بپاشد، چرا که با افزایش تحریم‌ها ما تنها خواهیم ماند، رد این توافق دولت بعدی در آمریکا را که کاملاً متعهد به جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است، با یک گزینه روبرو می‌کند؛ و آن یک جنگ تازه در منطقه خاورمیانه است.» به نقل از سرویس سیاسی جام‌نیوز، نشریه آمریکایی نیشن در مقاله‌ای به مخالفت‌های لابی آپیک با توافق هسته‌ای ایران پرداخته و تأکید می‌کند: «آپیک در شکست خوردن طرح رد توافق در کنگره به شدت آسیب دید.»

علاوه بر اقدامات آپیک، کمیته یهودیان آمریکا (AJC) که در سال ۱۹۰۶ با هدف ایجاد اتحاد در میان یهودیان آمریکا برای دفاع از حقوق یهودیان در سراسر جهان تشکیل شده بود در یک بیانیه به نقل از دیوید هریس رئیس این سازمان بیان می‌کند: «پس از بررسی متن توافق هسته‌ای ایران برنامه‌ریزی کردیم با مسئولین دولت اوپاما در مورد شبهات متن توافق دیدار و گفت‌وگو داشته باشیم، دیدار با جان کری وزیر خارجه، وندی شرمن معاون وزیر خارجه، نمایندگان کنگره و... انجام شد که در پایان به این نتیجه دست پیدا کردیم که می‌بایست با توافق صورت گرفته به شدت مخالفت کرد. در این راستا از اعضای کنگره درخواست کردیم بنا به ضرورت روابط استراتژیک، با متحدان خود در منطقه مثل اسرائیل، مصر، اردن و اعضای شورای همکاری خلیج-فارس بیشتر هماهنگ باشند و براساس منافع سیاسی و امنیتی آمریکا از امضاء و اجرای توافق خودداری کند.» (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۰)

سازمان صهیونیست آمریکا^۲ (ZOA) نیز به عنوان یکی از اولین سازمان‌های رسمی صهیونیست در آمریکا که در سال ۱۸۹۷ تاسیس شد و در اوایل قرن بیستم نماینده اصلی یهودیان -

1- American Jewish Committee
2- Zionist Organization of America

آمریکا در سازمان جهانی صهیونیسم بود در دولت اوباما مواضع خصمانه‌ای علیه دولت داشت و مکرراً اوباما و مقامات دولت را مورد انتقاد قرار می‌داد. این سازمان در اعلامیه‌ای ضمن اعلام مخالفت نسبت به توافق صورت گرفته با ایران، به انتقادات صورت گرفته توسط اوباما علیه نخست وزیر رژیم صهیونیستی حمله می‌کند و در این زمینه مورتون کلین رئیس این سازمان بیان می‌کند: «اقدامات اوباما و متهم کردن نتانیاهو توسط او شدیداً ریاکارانه است؛ زیرا واکنش نتانیاهو نسبت به توافق ایران کاملاً منطبق با وظایف او بوده؛ زیرا توافق ایران امنیت اسرائیل را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد. باراک - اوباما سخنان نتانیاهو را دخالت بی مورد می‌داند، در حالی که دخالت لابی‌های اروپایی حامی دولت اوباما در کنگره آمریکا را مصداق دخالت نمی‌دانند.» (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۲)

با این وجود علی‌رغم تلاش لابی‌های اسرائیلی در جهت بهره‌گیری از قدرت نرم خود برای مقابله با سیاست‌های دولت اوباما در رابطه با ایران، موفق به جلوگیری از ایجاد توافق با ایران نشدند، در این زمینه نشریه نیشن ضمن تاکید بر اقدامات لابی‌های اسرائیل در مخالفت و کارشکنی در انعقاد و اجرای برجام بیان می‌کند: «آپیک مبلغ ۲۰ میلیون دلار برای راه‌اندازی کمپین مخالفت با توافق با ایران شامل هزینه بیلبوردها، نشریات، برنامه‌های تلویزیونی، برپایی تظاهرات و... اختصاص داد.» (شیرازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۰) در نهایت فضای تنش‌آلود به‌ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما با نتانیاهو به دلیل توافق هسته‌ای با ایران، عدم مقابله با اقدامات منطقه‌ای و موشکی ایران، شهرک‌سازی در کرانه باختری بصورت غیرقانونی، عدم پیشرفت در روند سازش فلسطینی - اسرائیلی به دلیل عدم انجام تعهدات اسرائیل در آزادی زندانیان و رأی ممتنع آمریکا به قطعنامه ۲۲۴۴ شورای امنیت علیه رژیم صهیونیستی در رابطه با توقف شهرک‌سازی تقابل کم - نظیری را در روابط واشینگتن - تل‌آویو از ابتدای شکل‌گیری روابط دو رژیم به وجود آورد.

علاوه بر مسائل مربوط به ایران در سیاست خارجی دولت باراک اوباما، مسئله فلسطین و تداوم شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی از نقاط برجسته اختلافات طرفین بوده است، باراک - اوباما از همان ابتدای دوران ریاست جمهوری خود اعلام داشته بود که سعی دارد مناقشه بین رژیم صهیونیستی و فلسطین را تا جایی که طرفین به صلح برسند حل کند و بارها از شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی انتقاد نموده و خواهان حرکت مسئولین این رژیم به سوی تحقق دو دولت بوده است. یکی از اصلی‌ترین دلایل عدم وتو قطنامه ۲۳ دسامبر ۲۰۱۶ شورای امنیت از سوی دولت اوباما، فشار به نتانیاهو و طیف راست‌گرای اسرائیل درخصوص سرعت شهرک‌سازی‌ها است.

اوباما در یکی از سخنرانی‌هایش در مناطق اشغالی می‌گوید: «یک کشور فلسطینی مستقل و پایدار، تنها راه برای تضمین صلح و امنیت اسرائیل است... اسرائیلی‌ها باید درک کنند که ادامه شهرک-سازی برای آرمان صلح غیرسازنده است و فلسطینی مستقل باید امکان پذیر باشد، اوباما همچنین مخالفت خود را با گام‌های یکجانبه در حل و فصل مناقشه اسرائیل-فلسطینیان ابراز کرد و ضمن درخواست از فلسطینی‌ها برای به رسمیت شناختن اسرائیل به‌عنوان یک کشور یهودی، تأکید دارد فلسطینی‌ها از حق تعیین سرنوشت برای خود برخوردارند. وی تأکید می‌کند: «منصفانه نیست که خشونت‌های شهرک‌نشینان علیه فلسطینیان بی‌مجازات باقی بماند... فلسطینی‌ها نیز همانند اسرائیلی‌ها حق دارند مردمی آزاد در سرزمین خودشان باشند»^۱

۲-۴- تاثیر قدرت نرم لابی‌های اسرائیلی بر سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال

جمهوری اسلامی ایران

سیاست چند جانبه‌گرایی، توسعه مراودات اقتصادی و قراردادهای مختلف تجاری در رویکردهای سیاست خارجی اوباما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، بطوری که اوباما آن‌را به عنوان گراند استراتژی سیاست‌های خارجی خود معرفی نمود اما با تغییر فضای سیاسی و روی کار آمدن ترامپ در آمریکا از سال ۲۰۱۶ سیاست چندجانبه‌گرایی به چالش کشیده شد. (رحمانی، ۱۴۰۱، ۹۶) سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ در زمینه موضوعات مختلف به خصوص مسئله رژیم صهیونیستی و لابی‌های اسرائیلی تغییر اساسی کرد؛ دونالد ترامپ وابسته به حزب جمهوری خواه و طیف محافظه‌کار آمریکایی و جریان راست مسیحی در آمریکا می‌باشد. این جریان با نگرشی ایدئولوژیک و قدرت محور، قائل به بازگشت آمریکا به دوره اقتدار گذشته و استثناء‌گرایی آمریکایی است. (درج و آقایی، ۱۳۹۶: ۵۰-۴۸). لابی‌های اسرائیلی در مبارزات انتخاباتی بواسطه مواضع صریح ترامپ در حمایت از رژیم صهیونیستی، از طریق وابستگان تحت کنترل خود مثل کمیته عمل سیاسی^۲، کمیته جرسی شمالی^۳، مجمع یهودیان جمهوری خواه^۴ و کمک‌های مالی خصوصی به نمایندگان کنگره و سنا تأثیرات مهمی در حمایت از ترامپ گذاشت. بعد از روی کار آمدن ترامپ نتایهاو فعالانه برای خروج آمریکا از برجام لابی می‌کرد، او

^۱. سایت خبری انتخاب حق شماس: تاریخ انتشار: فروردین ۱۳۹۲ کد خبر ۱۰۲۵۴۲

2 - Political action committee

3 - North Jersey PAC

4 - Republican Jewish Council

سعی در ایجاد فضای تنش آلود و امنیتی در قبال برجرام داشت؛ نتایج و ران درمر، سفیر رژیم صهیونیستی در ایالات متحده، انتخاب ترامپ را فرصتی غیرمنتظره برای برهم زدن توافق و تشدید سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران می‌دانستند. به گفته یکی از مقامات سابق اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، ورود ترامپ به کاخ سفید باعث ایجاد یک «تغییر چشمگیر» شد. همانطور که یکی از مقامات دفاعی سابق این رژیم نیز بیان می‌کند: «بنیامین نتانیا هو و ترامپ درست مشابه هم به مسئله ایران می‌نگرند»^۱. همچنین نتانیا هو دیگر دلیلی برای محدود شدن برنامه‌های تقابلی اش با ایران نمی‌دید و دریافت که ترامپ و مشاورانش با دیدگاه‌های خود در مورد ایران «همگام کامل» هستند. (Dassa Kaye & Efron, 2020: 11)

حضور ترامپ در مراسم انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس یکی از نمودهای بارز نفوذ و قدرت نرم لابی‌های اسرائیلی بر سیاست خارجی وی می‌باشد. مجوز انتقال سفارت آمریکا از سال ۱۹۹۵ توسط کنگره صادر شده بود اما بیل کیلیتون، جرج بوش و باراک اوباما با وجود مصوبه کنگره و فشار لابی‌های اسرائیلی هر شش ماه اجرای این مصوبه را به تاخیر می‌انداختند. اما ترامپ با وجود بدبینی‌های بین‌المللی حاضر به انتقال سفارت به اورشلیم شد و این اقدام مهم نفوذ و تاثیر قدرت نرم لابی‌های اسرائیلی بر تصمیمات دونالد ترامپ را اثبات می‌کند.

۱-۲-۴- تاثیر قدرت نرم لابی‌های اسرائیلی از طریق انتصاب افراد طرفدار رژیم

صهیونیستی در دولت ترامپ

علاوه بر اشتراک موضوعی که در دوره مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۶ میان لابی‌های طرفدار اسرائیل و ترامپ وجود داشت، پیوندهای شخصی میان ترامپ با جامعه یهودی و شخصیت‌های ثروتمند یهود مثل «شلدون ادلسون»، که در موضع محافظه‌کار جنگ‌طلب و نزدیک نتانیا هو قرار داشتند، باعث تعمیق بیشتر روابط کاخ سفید و لابی‌های اسرائیلی شد. شلدون ادلسون به عنوان یکی از حامیان اصلی کمک‌های انتخاباتی به ترامپ بعد از شکست آیک در انتخابات ۲۰۰۸ در سال ۲۰۱۶ سازمان جدیدی با عنوان «ائتلاف آمریکایی-اسرائیلی برای اقدام» ایجاد کرد. (Tibon, 2017) بر این مبنا رابطه نزدیک و مستقیمی بدون واسطه آپیک میان ترامپ و شبکه جدید با شلدون برقرار شد.

مهم‌تر از آن، ترامپ از طریق دامادش کوشنر با یهودیان آمریکا و جامعه اسرائیلی -آمریکایی

1. Author interview with former defence official, Tel Aviv, 27 January 2020.

روابط نزدیک تری داشت؛ کوشنر مالک یهودی ارتدوکس بود که به عنوان رابط تماس با اسرائیل و مشاور ارشد رئیس‌جمهور ایفای نقش می‌کرد. کوشنر دارای شبکه ارتباطی دوستانه در رسانه‌های مهم دنیا از جمله مرداک غول رسانه‌ای و مالک چندین شبکه خبری جهانی مانند فاکس نیوز و... می‌باشد و همچنین با پرل من، میلیاردری که ترامپ هنوز با او ارتباط نداشت، در ارتباط بود. علاوه بر این، گروه تحقیقات سیاسی کشف کرد که خانواده کوشنر با یک موسسه مالی بزرگ اسرائیلی به نام «مونریا میواجین» که ۳۰ میلیون دلار با شرکت کوشنر معامله داشته ارتباط برقرار کرده است. (Muscau, 2020:95) بنابراین، به موازات فعالیت‌های آپیک، شبکه‌های خصوصی ترامپ و کوشنر یکی از اصلی‌ترین لابی‌های تاثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا بود.

تحت تاثیر لابی‌های اسرائیلی رکس تیلرسون، وزیر خارجه ترامپ با مایک پمپئو جایگزین شد. پمپئو به شدت از برجام انتقاد می‌کرد و دستاوردهای آن را به هیچ وجه قابل قبول نمی‌دید اما تیلرسون دستاوردهای برجام را مثبت ارزیابی می‌کرد و تنها دو هفته پس از انتصاب پمپئو، ایالات متحده در پایان آوریل از برجام خارج شد. (McKenzie, 2018) علاوه بر این جینا هاسپل که رویکرد جنگ طلبانه و سخت‌گیرانه‌ای نسبت به اسلام‌گرایان رادیکال مطابق با دیدگاه راست - افراطی داشت و به شدت رویکردی ضد ایران داشت به عنوان مدیر جدید سیا انتخاب شد.

یکی دیگر از تغییراتی که تحت تاثیر قدرت لابی‌های طرفدار رژیم صهیونیستی صورت گرفت جایگزینی اچ.آر. مک مستر مشاور امنیت ملی ترامپ با جان بولتون بود که موضعی به - شدت سختگیرانه‌تر و نزدیک به رژیم صهیونیستی نسبت به ایران داشت. اگرچه مک مستر دشمنی با اسرائیل نداشت، اما با برجام هم مشکلی نداشت بالعکس، بولتون کاملاً با نتانیاهو همسو بود او شدیداً موافق گزینه نظامی و اجرای بیشتر تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بود.

جیمز متیس وزیر دفاع دولت ترامپ نیز با اینکه روابط مالی و نظامی خوبی با رژیم صهیونیستی داشت به دلیل اینکه دیدگاه متفاوتی از ترامپ نسبت به برجام داشت کنار گذاشته شد؛ زیرا او همراه با تیلرسون معتقد بودند خروج آمریکا از برجام باعث شکل‌گیری یک مسابقه تسلیحاتی و ایجاد بحران در منطقه خاورمیانه می‌شود که منافع آمریکا را به خطر می‌اندازد، بنابراین لابی‌های اسرائیلی بیشتر در پی منافع و امنیت رژیم صهیونیستی بودند از این رو به تاثیرگذاری بر عزل و نصب‌ها در کاخ سفید با روش‌های مختلف دست زدند. این تغییرات و اثرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا و تشدید تنش‌ها در قبال مسائل ایران بویژه توافق هسته‌ای محور اصلی

اقدامات نتانیاهو و لابی‌های طرفدار اسرائیل در سطح بین‌المللی بود.

۲-۲-۴- تداوم رویکرد امنیتی‌سازی مسائل ایران توسط قدرت نرم لابی‌های اسرائیل

ضمن وجود اختلافات در رویکردهای سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و لابی‌های طرفدار آن، می‌توان الگوهای متداول رفتاری که برای تشدید سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران استفاده می‌کنند شناسایی کرد؛ بر این اساس رژیم صهیونیستی همچنان به پیوند دادن مسائل ایران با سایر بحران‌های بین‌المللی ادامه داده و توافق هسته‌ای ایران را در راس دستورکار آمریکا قرار داده و بر امنیتی کردن مسئله هسته‌ای و اقدامات منطقه‌ای ایران تاکید دارند. در این راستا، در چارچوب فرایند امنیتی‌سازی، توافق هسته‌ای ایران را با تسلیحات هسته‌ای کره شمالی مرتبط دانسته به طوری که یلدریم^۱ در مصاحبه با هآرتص اشاره می‌کند: «ما یک قرارداد امضا خواهیم کرد و برنامه ساخت سلاح هسته‌ای ایران را صرفاً به تعویق می‌اندازیم در حالی که ایران مایل است منتظر بماند و تمام تحریم‌ها را لغو کند و در نهایت قدرتی متعارف بسازند که اسرائیل را به گروگان بگیرد، به گونه‌ای که کره شمالی به گروگان گرفتن کره جنوبی اقدام کرده است.» (Pfeffer, 2018)

از آنجایی که دولت ترامپ و رژیم صهیونیستی برجام را «بدترین توافق دیده شده» می‌دانستند، هر دو از استراتژی چارچوب‌بندی منفی ایران و برجام در برابر جامعه بین‌المللی استفاده کردند. در این راستا ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام می‌کند: «رهبران ایران هرج و مرج، مرگ و ویرانی می‌کارند. به همین دلیل است که بسیاری از کشورهای خاورمیانه به شدت از تصمیم من برای خروج از توافق هسته‌ای وحشتناک ۲۰۱۵ حمایت کردند؛ ما از همه ملت‌ها می‌خواهیم که ایران را تا زمانی که تجاوز می‌کند منزوی کنند و تحمیل مجدد تحریم‌های هسته‌ای را ادامه دهند.»^۲ همین موضع را به زبان دیگر نتانیاهو در سازمان ملل اعلام می‌کند و به رهبران اروپا و دیگران پیشنهاد می‌کند: «در عوض آنکه با این توافق دیکتاتوری ایران را در آغوش بگیرید با اسرائیل و آمریکا و کشورهای عربی منطقه همسو شوید و ایران را از هر نظر منزوی و تحریم کنید.»^۳

1 - A. Yadlin

2 - Trump slams Iran at UN (full speech)", *CNN politics*, (25 september 2018) accessed by May 2019. <https://www.cnn.com/videos/politics/2018/09/25/cnngo-donald-trump-full- united-nations-speech-september-25-2018.cnn>

3 - "PM Netanyahu's Remarks at the UN General Assembly – 2018", Israel PM channel Youtube, accessed by May 2019. <https://www.youtube.com/watch?v=B7ZPPaeMmmA>

۳-۲-۴- تاثیر قدرت نرم لابی‌های اسرائیلی بر بی‌اعتباری و خروج ترامپ از برجام

رژیم صهیونیستی و حامیان آن در دوره ریاست جمهوری ترامپ، علاوه بر تلاش فراوان در زمینه تغییر آرایش تصمیم‌گیرندگان کاخ سفید، هدف مهم دیگری نیز در زمینه تغییر رویکرد و ذهنیت کاخ سفید داشتند که به طرق مختلف در صدد اجرای آن برآمدند. بر این اساس نهادهای لابی اسرائیل در آمریکا مانند کنگره یهودیان آمریکا، کمیته امور عمومی آمریکا-اسرائیل، مرکز سیمون ویزنتال، کمیته یهودیان آمریکا و سازمان صهیونیستی آمریکا تلاش مضاعفی برای خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای با اعمال نفوذ مختلف انجام دادند. در نهایت نیز توانستند آمریکا را مجاب به خروج از برجام نمایند. آپیک به عنوان قدرتمندترین سازمان لابی‌گر در ایالات متحده معتقد است که توافق هسته‌ای ایران تنها محدودیت‌های موقتی را بر تهران تحمیل کرده و تأثیر کمی بر اقدامات منطقه‌ای ایران دارد و ایران کماکان به گسترش نفوذ خود در منطقه ادامه می‌دهد و این امر در کنار قدرت هسته‌ای ایران خطری ضد امنیتی برای رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود و طی سال‌های آینده، رفع موانع برنامه هسته‌ای ایران باعث ارتقاء جایگاه ایران و تبدیل آن به یک کشور هسته‌ای می‌شود. (رضوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۴) با این استدلال است که مارشال ویتمن، سخنگوی آپیک، به جروزالم پست می‌گوید: «هدف اصلی و اولیه ما جلوگیری از دستیابی ایران به قابلیت تسلیحات هسته‌ای و ایجاد بازدارندگی در برابر رویکرد تهاجمی ایران در منطقه است.» (دیپلماسی ایرانی، ۲۰۱۶: ۲-۱)

کنگره یهودیان آمریکا، یکی دیگر از سازمان‌های لابی اسرائیلی، در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ بیانیه‌ای در رابطه با توافق هسته‌ای ایران صادر کرده و در آن تأکید می‌کند که کنگره حامی سیاست دولت ترامپ در جلوگیری از اجرای توافق هسته‌ای ایران می‌باشد. کنگره یهود اعلام کرد هدف دولت اواما از امضای این توافق، کنترل سیاست‌های منطقه‌ای ایران در مسیر اعتدال بود، اما برخلاف تلقی دولت قدرت منطقه‌ای و نفوذ ایران در منطقه نه تنها محدود نشده‌است بلکه رو به گسترش است و جمهوری اسلامی شديداً خطرناک‌تر شده است و گزارشات کنگره نشان می‌دهد که قبل از پایان ۱۵ سال (طبق برجام ایران اجازه می‌یابد دوباره برنامه هسته‌ای خود را دنبال کند) می‌بایست سیاست جدیدی برای مهار ایران و حفظ امنیت منطقه و جهان اتخاذ کنیم؛ بنابراین به سرعت به بازنگری در مقابل برنامه‌های بلندپروازانه ایران نیاز داریم. (American Jewish Committee, 2017:16)

در موضعی مشابه مرکز سیمون ویزنتال در نامه‌ای به ۵۳۵ تن از اعضای کنگره آمریکا خواستار اعمال فشار بیشتر و لغو توافق هسته‌ای با ایران شد. این مرکز معتقد است چنانچه ایران صرفاً به دنبال توسعه ظرفیت هسته‌ای خود در جهت اهداف غیرنظامی باشد، به تجهیزاتی مثل سانتریفیوژ و آب سنگین نیازی ندارد، از این رو ایجاد محدودیت‌های بسیار بیشتر برای در اختیار داشتن سانتریفیوژها بر ایران ضروری است؛ آنها اعلام کردند که ۱۹ کشور در جهان وجود دارند که از صنعت هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز و غیرنظامی بدون انجام فرایند غنی‌سازی، نیاز به سانتریفیوژ و آب سنگین و... بهره می‌برند. بنابراین برای کشور ایران که درصدد حمله به منافع ایالات متحده و حمایت از نابودی اسرائیل است، در اختیار داشتن تسلیحات هسته‌ای بسیار خطرناک است. (Marvin And Cooper, 2017:20)

از دیگر لابی‌های موثر در ساختار سیاسی ایالات متحده می‌توان به سازمان‌های لابی اسرائیلی به نام کمیته یهودیان آمریکا اشاره کرد که از سال ۲۰۱۵ مکرراً مخالفت صریح خود با اجرای توافق هسته‌ای با ایران را بیان کرده است. بنا به ادعای این کمیته، توافق هسته‌ای بصورت مطلوب اجرا نشده است؛ زیرا از زمان امضای توافق تاکنون، توسعه توانمندی‌های مربوط به موشک‌های بالستیک ایران به همان روال قبل از توافق ادامه داشته است که امری غیرمنطقی و خارج از فلسفه وجودی توافق برجام است از این رو می‌بایست به عنوان موردی در اصلاح برجام مدنظر باشد؛ علاوه بر این کمیته مذکور اعلام می‌کند که نقض حقوق بشر در ایران تحت هیچ شرایطی کاهش نیافته است، بنابراین ضروری است ایالات متحده و سایر متحدان ما در اقصی نقاط جهان برای مقابله با تهدیدات ناشی از ایران همکاری کنند وگرنه توافقی همانند برجام، تنها شامل یک سری تعهدات بدون ضمانت اجرایی است که نه تنها قدرت موشکی و هسته‌ای ایران را تحت کنترل قرار نمی‌دهد بلکه ایران در سایه آن با امنیت بیشتری به سمت تولید بمب هسته‌ای خواهد رفت.

(American Jewish Committee, 2017:17)

دیوید هریس، مدیر اجرایی کمیته یهودیان آمریکا درخصوص مخالفت با برجام و لزوم خروج دولت ترامپ از این توافقنامه و سخت‌گیری بیشتر علیه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران در بیانیه‌ای بیان می‌کند: «کمیته یهودیان آمریکا با توجه به ماهیت نظام سیاسی در ایران و مبانی ایدئولوژیک آن، پیامدهایی احتمالی توافق هسته‌ای با این کشور را نمی‌پذیرد، زیرا ممکن است همسایگان ایران به پیروی از این کشور در مسیر کسب توانایی در اختیار داشتن تسلیحات هسته‌ای اقدام کنند که این مسئله تهدیدی برای جهان است و ممکن است باعث ایجاد یک مسابقه

تسلیحاتی خارج از کنترل در منطقه شود؛ بر این اساس کمیته یهودیان آمریکا مخالف توافق هسته‌ای ایران و آمریکا می‌باشد و از نمایندگان کنگره تقاضا دارد که این توافق را متوقف کنند و به طور سریع در پی اصلاح و بازنگری در سیاست خارجی آمریکا نسبت به مسائل مرتبط با ایران باشد. (Harris, 2015: 17)

سازمان صهیونیستی آمریکا از دیگر لابی‌های قدرتمند اسرائیلی معتقد است لغو تحریم‌های ایران نگران کننده است و برای جلوگیری از توسعه توانمندی‌های ایران در زمینه موشک‌های بالستیک و رشد تاسیسات هسته‌ای این کشور بازرسی از تاسیسات هسته‌ای و نظامی آن بدون هرگونه محدودیت ضروری است. علاوه بر این سازمان مذکور، بر دولت ترامپ درخصوص لغو توافق هسته‌ای، تمدید تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه ایران مثل تحریم‌های مرتبط با حقوق بشر، حمایت از گروه‌های نیابتی و... اصرار داشت. این سازمان صهیونیستی به دولت ترامپ هشدار می‌دهد که ماندن آمریکا در این معاهده غیرمنطقی و بیهوده است. این سازمان همچنین خاطر نشان می‌کند که آزمایشات موشکی ایران در ژانویه ۲۰۱۷ بدون تایید شورای امنیت، نقض قطعنامه‌های سازمان ملل درخصوص تعهدات ایران بر عدم استفاده از موشک‌ها در قطعنامه ۲۲۳۱ می‌باشد این امر نیز به این دلیل است که توان موشکی ایران در زمینه ساخت و استفاده از موشک‌های بالستیک نشان دهنده افزایش قدرت ایران برای استفاده از این موشک‌ها برای حمل کلاهک هسته‌ای تا برد ۴۰۰۰ کیلومتر است که به شدت امنیت مرزهای رژیم صهیونیستی را تحت شعاع قرار داده و می‌تواند به عنوان خطری فوری برای کلیت رژیم اسرائیل باشد از این رو مخالفت با آن به هر طریقی مسئله‌ای محوری می‌باشد (The Zionist organization of America, 2017: 19).

با توجه به مسائل عنوان شده و بیان قدرت نرم لابی اسرائیل در آمریکا رد پای این لابی در خروج آمریکا از برجام کاملاً هویدا است. فیلیپ وایس روزنامه نگار آمریکایی پس از خروج آمریکا از برجام در راشا اینسایدر نوشت: «نیاز به گفتن نیست که این روزها یکی از تلخ‌ترین روزهایی است که در خاطر دارم... توافق با ایران، که در همه جای دنیا به عنوان راهی برای همکاری در جهت تقویت فرهنگ احترام متقابل دیده می‌شد، توسط ترامپ نادیده گرفته شد و اکنون جهان جای کمتر امنی است. حتی نومحافظه‌کارانی که از چنین کاری حمایت کرده‌اند نمی‌توانند ترس خود را انکار کنند. حتی چاک شوهر که سه سال قبل توافق با ایران را «تهدید اسرائیل» خوانده بود، با کار ترامپ مخالفت کرد.» (lobellog.com)

در این زمینه پیتر بینارت نیز می‌نویسد: «هیچ شکی وجود ندارد که رد اسرائیل و لابی‌هایش در این اقدام وجود دارد. بیانیه احمقانه وزارت خارجه مشخص کرد که تا چه حد نمایش ترامپ برای (رضابت) نتانیا هو بود وقتی که در این بیانیه به دروغ‌های قدیمی که نتانیا هو بار دیگر آن‌ها را تکرار کرده بود به عنوان مدارک تازه به دست آمده استناد شد. می‌توان به تحلیل صفحه نخست روزنامه نیویورک تایمز درباره نقش نتانیا هو در دادن بهانه به ترامپ، اشاره کرد. لوب لاگ، با توصیف‌های صریح درباره نفوذ اسرائیل پر شده است. الی کلیفتون دقیقی پس از اینکه ترامپ برجام را زیر پا گذاشت از سه بیلونری نوشت که پشت سر ترامپ در اخذ این تصمیم بودند. شلدون ادلسون، برنارد مارکوس و پائول سینگر که همگی یهودیان حامی اسرائیل هستند. استفان - والت در فارن پالیسی از نیروهای پشت این تصمیم نوشت: «لابی‌های تندرو اسرائیلی و جنگ - طلبانی مثل جان بولتون و مایک پومپئو ترس بزرگشان این بود که ایالات متحده و متحدانش در خاورمیانه مجبور باشند در نهایت قدرت منطقه‌ای و نفوذ منطقه‌ای ایران را بپذیرند.» از دیگر شواهدی که نقش لابی‌های اسرائیلی در خروج آمریکا از برجام را به اثبات می‌رساند، اولین مورد شلدون ادلسون تأمین‌کننده مالی گروه‌های لابی حامی رژیم صهیونیستی و سیاستمداران راست - افراطی در ایالات متحده است. آدلسون وجود فلسطینی‌ها به‌عنوان مردم مستقل عرب را انکار و از جنگ هسته‌ای برای توقف غنی‌سازی ایران حمایت کرده است. ادلسون در انتخابات ریاست جمهوری حدود ۲۵ میلیون دلار در حمایت از ترامپ، کاندیدای مورد حمایت نتانیا هو هزینه کرد. وی از مخالفان دولت باراک اوباما بود و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ مبلغی بالغ بر ۶۰ میلیون دلار در حمایت از کاندیداهای رقیب اوباما هزینه کرد. برنارد مارکوس دیگر سرمایه‌دار یهودی در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ۷ میلیون دلار در حمایت از کارزار انتخاباتی ترامپ هزینه کرد. او در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز در سال ۲۰۱۵ برجام را به معامله با شیطان خواند و گفت: «به نظر من، ایران شیطان است.» افراد دیگری همچون اریک پرینس، الیوت برویدی، جورج نادر، پائول سینگر شش میلیاردی پرنفوذ و وابسته به رژیم صهیونیستی جزء افرادی بودند که با هزینه کردن پول در تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای خارج کردن این کشور از توافق هسته‌ای برجام نقش ایفا کردند. (russia-insider.com)

نتیجه‌گیری

نظام سیاسی ایالات متحده دارای ساختاری منحصر به فرد در بین دیگر کشورهاست؛ زیرا در این ساختار که براساس اصل تفکیک قوا بنا شده است سعی بر آن بوده که از تمرکز قدرت در یک نهاد جلوگیری شود از این رو در روند تصمیم‌گیری در این کشور نهادها و مبادی رسمی و غیر-رسمی فراوانی تاثیرگذارند؛ در این میان لابی‌ها به عنوان جزئی لاینفک از این ساختار مطرح می‌باشند که به عنوان نهادهای رسمی در قوانین پذیرفته شده‌اند. در این راستا لابی‌های طرفدار اسرائیل در کنار سایر لابی‌ها توانسته‌اند با پشتیبانی افراد متنفذ صهیونیست و همچنین کمک‌های سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی در بزنگاه‌های تاریخی تاثیرات مهمی بر تصمیمات کاخ سفید و کنگره آمریکا برجای بگذارند.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و اعلام مواضع رهبران ایران در مخالفت با موجودیت اسرائیل، دشمنی بین طرفین ایجاد شده و همواره در طول این چند دهه رژیم صهیونیستی وجود جمهوری اسلامی را برای خود یک تهدید امنیتی قلمداد کرده است.

در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما ضمن وجود فشار از سوی لابی‌های اسرائیلی، دولت عزمش را برای پیشبرد یک سیاست چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی محور جزم کرده بود، بر این اساس آمریکا سعی داشت تا با تکیه بر اجماع جهانی و از طریق غیرامنیتی کردن مسائل مرتبط با ایران، این کشور را به عنوان یک عضو از سازمان ملل به اجرای قوانین بین‌المللی متعهد سازد؛ در طرف مقابل اما رژیم صهیونیستی و لابی‌های وابسته به آن به ویژه آپیک سعی در امنیتی جلوه دادن مسائل ایران (تحرکات منطقه‌ای، برنامه هسته‌ای و توانمندی‌های موشکی ایران برای حمل کلاهک هسته‌ای) برای منطقه و جهان داشتند و از این طریق سعی در بی اعتبار کردن گفتگوها و توافقات حاصل از آن داشتند اما به دلیل اینکه دولت اوباما وابستگی کمتری به این لابی‌ها داشت و از طرفی نیز سیاست خارجی این کشور در رابطه با ایران مبتنی بر استفاده از دیپلماسی به جای برخورد سخت استوار بود لابی‌های اسرائیل با شکست مواجه شدند و نهایتاً توافقنامه برجام میان ایران و ۵+۱ به امضا رسید.

در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ با توجه به تغییرات بزرگ در رویکرد کاخ سفید نسبت به مسائل ایران تلاش‌های گسترده‌ای از طرف رژیم صهیونیستی و لابی‌های آن برای تاثیرگذاری بر دولت ترامپ حتی قبل از انتخابات شروع شد، به طوری که کمک‌های مالی این

لابی‌ها به کمپین انتخاباتی ترامپ به شدت افزایش یافت. بعد از انتخابات نیز با ایجاد ارتباطات شخصی با ترامپ و نزدیکان او سعی شد شبکه‌های اقتصادی با کاخ سفید ایجاد شده و روند تاثیرگذاری بر کاخ سفید مسیری تازه بیابد به طوری که حتی فراتر از لابی‌ها، افراد مختلف برای تاثیر بر ترامپ شخصا دست به کار شدند. هدف از انجام این اقدامات غالب شدن تئوری امنیتی کردن مسائل مرتبط با ایران در روابط بین‌الملل و اعمال فشار بر کاخ سفید برای خروج از برجام، اعمال تحریم‌های همه جانبه و انزوای ایران بود که در دوره ترامپ تا حدودی به نتیجه رسید؛ بر این اساس شاهد وجود تفاوت در میزان اثرپذیری کاخ سفید در خصوص مسائل مرتبط با ایران از لابی‌های اسرائیلی در ادوار ریاست جمهوری اوباما و ترامپ می‌باشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آهویی، مهدی (۱۳۹۰). نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده؛ از اسطوره تا واقعیت، مطالعات جهان، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۲۶.
- احمدی، وحیده (۱۳۹۵). راهبرد اسرائیل در مورد برجام، مطالعات راهبردی، ۱۹(۷۲)، ۱۶۲-۱۵۹.
- تبارسوته، محمدسلیمان و مهرورز، عباس (۱۳۹۹). تأثیر سیاست خارجی آمریکا (ترامپسزم) در قبال اسرائیل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد سیاسی، ۱۲(۴)، ۲۱۷-۱۹۳.
- حسینی محجوب، حسین؛ عزیزی، ستار و محبی، محسن (۱۴۰۰). تحریم‌های اقتصادی یکجانبه در میانه اعمال قدرت نرم و سخت، مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۲۵)، ۳۱-۴۹.
- درج، حمید و آقایی، سید داود (۱۳۹۶). جایگاه راهبردی یمن در سیاست خارجی و امنیتی ترامپ، مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰(۴۰)، ۶۸-۳۹.
- زندلی زیارانی، محمد و میرکوشش، امیرهوشنگ (۱۴۰۲). قدرت نرم و بازیگران غیردولتی، مطالعات قدرت نرم، ۱۳(۳۳)، ۱۲۷-۱۵۱.
- رحمانی، سید علی اصغر؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله و سنائی، اردشیر (۱۴۰۱). مقایسه راهبردهای ایالات متحده آمریکا در دوران ترامپ با زمان اواما، جهت تغییر رفتار و تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، دوره ۱۲(۲۸)، ۶۴-۸۹.
- سیمبر، رضا و نظری، کیانوش (۱۳۹۲). بررسی آپیک و تأثیر آن بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۴(۱۱)، ۳۴-۹.
- صفی پور، حبیب‌الله؛ کریمی فرد، حسین؛ عامری گلستان، حامد و عبدالخانی، لنا (۱۴۰۰). سازمان سیا، بحران‌های خاورمیانه بعد از ۱۱ سپتامبر (۲۰۱۱-۲۰۱۵) و کاهش قدرت نرم آمریکا، مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۲۷)، ۱۶۱-۱۸۸.
- گوهری مقدم، ابوذر و محمدی رضانی، مصطفی (۱۳۹۸). نقش تغییر درک راهبردی آمریکا در رویکرد این کشور در قبال پرونده هسته‌ای ایران، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۹(۳۵)، ۱۱۱-۸۷.
- موسوی فر، مرضیه (۱۳۹۵). روابط ایران و آمریکا؛ مساله اسرائیل، سیاست، ۴۶(۲)، ۵۱۴-۴۹۷.
- والث، استفان و مرشایمر، جان. جی (۱۳۹۴). لابی صهیونیستی و سیاست خارجی آمریکا، مترجم: فرج‌الله ایزدی، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

وکیلی، فرهاد و کیوان حسینی، اصغر (۱۴۰۰). مطالعه مقایسه‌ای راهبرد سیاست خارجی آمریکا (۲۰۲۰-۲۰۰۹). از راهبرد واقع‌گرا- نرم‌افزارگرای اوپاما به سوی راهبرد واقع‌گرا- نرم-افزارگرای ترامپ، مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۲۴)، ۱-۳۴.

Alman, Ashley (2014). Now Even AIPAC Says It's Not The Right Time To Advance Iran Sanctions Bill. The Huffington Post.

Dassa Kaye, Dalia, Efron, "Shira2020 Israel's Evolving Iran Policy" Survival, Global Politics and Strategy Volume 62, 2020 - Issue 4

Dassa Kaye, Dalia (2017) "Israel's Iran Policies After the Nuclear Deal Rand Corporation", at: <http://www.rand.org/Pubs/Oerspectives/Pe207.html>.

Harris, David (August /5/2015), "AJC on the Iran Nuclear Deal", at: <http://www.AJC-on-the-Iran-Nuclear-Deal>

Huntington, Samuel P (1997), "The Erosion of American National Interests", Foreign Affairs, pp 28-49.

<https://www.theguardian.com/world/2010/nov/03/barack-obama-midterms-better-job>

Muscau, Michela, (2020), "THE ISRAELI STRATEGY VIS-À-VIS THE US FOREIGN POLICY IN THE IRAN NUCLEAR DEAL" ULB- LUISS Double Degree Master's Degree in International Relations, Major in: Political violence and Security Practices (ULB) Geopolitical Scenarios and Political risk (LUISS).

Rynhold, Jonathan (2021) "Divide and Rule: Discursive Authority, Identity Dissonance, Ethnic Lobbies, and US Foreign Policy, or How President Obama Defeated AIPAC over the 2015 Iran Deal". Foreign Policy Analysis, doi: 10.1093/fpa/orab005.

Rubaduka, Erik, (2017) "The Securitization and Desecuritization of the Iranian nuclear program in U.S. Presidential Discourse" Lund University FKVK02 Department of Political Science Spring Term 2017 Peace and Conflict Studies.

Toghyani, Atefeh (2022), "Pro-Iran-Deal Actors and US foreign policy 2011-2015" Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 12, No. 1, Winter- Spring 2021, pp. 33-60.

Unger, David (2016), "The Foreign Policy Legacy of Barack Obama", The International Spectator, VOL. 51, NO. 4, 1-16.

Waxman, Dov (2010), "The Israel Lobbies: A Survey of the Pro-Israel Community in the United States", Israel Studies Forum 25(1):pp.5-28.

The American Jewish Committee (October, 2017), "A j Congress Statement-Iran- Deal," at: <https://Ajcongress.Org/Content/Ajcongress-Statement-IranDeal>.

Zuckerman, Mortimer (2015), "Iran the Last Lap, Available", at: <http://www.usnews.com/news/the-report/articles/2015/06/19/5-key-issues-in-nuclear-negotiations-with-Iran>.

“Trump slams Iran at UN (full speech)”, CNN politics, (25 september 2018) accessed by May 2019.
<https://www.cnn.com/videos/politics/2018/09/25/cnngo-donald-trump-full-united-nations-speech-september-25-2018>.

<https://lobelog.com/trump-has-a-259-million-reason-to-bomb-iran>
https://www.bbc.com.uk/persian/iran/2013/10/131025_bk-usa-iran-nuclear-attack.shtml

<https://lobelog.com/three-billionaires-paved-way-for-trumps-iran-deal-withdrawal>

www.irdiplomacy.ir

www.donya-e-egtesad.com

www.lobeloge.com

www.russia-insider.com

www.theguardian.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی